تبارشناسی موسسه پرسش

غارت فرهنگی با ژست آکادمیک

بخش اول

دکتر حسن روحانی *

اشاره:
تهاجم فرهنگی و جنگ نرم، کلماتی آشنا در قاموس سیاسی هستند و کمتر روزی است که به هر شکلی با آنها برخوردی نداشته باشیم. اگر با خود کلمات هم ارتباطی نداشته باشیم، بی‌شک با مظاهر جنگ نرم و تهاجم فرهنگی روبه‌رو شده‌ایم. یکی از پنهان‌ترین لایه‌های این عملیات ویرانگر، نفوذ در حوزه علوم انسانی و تغییر یا تشکیک در ارزشهای بنیادین ملت است. عوامل این روش با تشکیل حلقه‌های به ظاهر علمی و آکادمیک در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی سعی در پنهان نمودن هویت واهی خود با به کار بردن رنگ و لعاب فریبنده «علم» برای اهداف شوم بردارند و در سایه غفلت یا جهل متولیان امر به جولان و جذب ناآگاهان پرداخته‌اند. نوشتار زیر، به ریشه‌های فرهنگی این حرکت در سالیان گذشته و مشخصاً به هویت «موسسه پرسش» می‌پردازد. این نوشتار در چند بخش تقدیم خواهد شد.

یکی ازروش های مرسوم دربررسی وتحلیل وقایع ومفاهیم سیاسی- اجتماعی،روش تبارشناسی است. تبارشناسی به ما کمک می کندتاازمنظری انتقادی به موضوع موردمناقشه نظربیفکنیم وابعادووجوه نامکشوف آن رازیرذره بین بگذاریم. ازپنجره نگاه یک تبارشناس،دانش باقدرت عجین شده است وبه همین اعتباربالابردن پرچم بی طرفی سیاسی- اجتماعی، رهزنانه است لذا اگرگفتمانی ادعای بی طرفی سیاسی- اجتماعی داشته باشد بی درنگ باید دراین مدعا تشکیک کرد چراکه تبارشناس، ریشه های تاریخی یک پدیده راشناسایی نموده وسیرتطور و دگردیسی آن راموردبررسی قرارمی دهد و از این رهگذر حقیقتی راکه درصددبازنمایی خویش به عنوان حقیقتی استعلایی است، به مهمیزنقدمی کشد. بااین مقدمه موجزومجمل، به خوبی می توان درباب "مؤسسه پرسش" واهداف پیداوپنهان بانیان وکارگزاران این مؤسسه پژوهشی سکولار ومؤسسات تابعه آن، سخن به میان آوردو به قضاوت نشست. درسایت این مؤسسه و در مقام معرفی می خوانیم:"پرسش با تیمی جوان ودانشگاهی وبا امیدبه تداوم گستره کنکاش علمی، به روز و کارآمد، درنخستین روزهای بهار۱۳۸۸جوانه زد.دغدغه وفلسفه وجودی مؤسسه پرسش،گسترش دامنه طرح پرسش های نوین،متفاوت وکلیدی وبه موازات آن تلاش درارائه پاسخ های کارآمد و علمی ازجانب پژوهشگران،محققان ودانشگاهیان، به منظورایجادگسترش چشم اندازهایی کاملاًعلمی است"۱.درجای دیگری درسایت این مؤسسه به نکاتی برمی خوریم که جای درنگ وتأمل بسیاردارد.دراین بخش می خوانیم:"عقیده ما براین است که مسؤولیت ما آگاهی دادن به جامعه وارتقای دانش آنها وجوابگویی به سؤالات بی جواب افراداست. به این منظوراهالی پرسش بر برنامه ریزی واجرای همایش های علمی،برگزاری کارگاه های آموزشی-پژوهشی،انجام وحمایت ازپروژه های کاربردی – علمی، برگزاری جلسات نقدوبررسی کتاب ومقاله، برگزاری دوره‌های آموزشی نوین وارائه مقالات علمی وبه روزدنیا، باهدف طرح چراها وچگونه های جدیددریک قالب متفاوت،جدیدوبه روزاست"۲.اگر جملات فوق الذکراتحلیل محتوا کنیم، متوجه این امرخواهیم شدکه متولیان مؤسسه پرسش که ظاهرا وجهه همت خویش را ترویج بی طرفانه علوم انسانی قرارداده اند،درحقیقت درپی فراهم ساختن زمینه فکری لازم جهت به راه انداختن انقلاب مخملی درایران می باشند.بهترین شاهد وگواه جهت اثبات این مدعا، واکاوی وبررسی موشکافانه برنامه ها وهمایش های این مؤسسه می باشد.لیست بلندبالای برنامه های اجراشده ودردست اجرای این مؤسسه به وضوح مبین ومؤیداین امرهست که قاطبه اساتید فعال وحاضردراین مؤسسه، چه ازلحاظ فکری وچه ازلحاظ تشکیلاتی وابستگی وعلقه تام وتمامی به نحله های سکولاروشبه سکولاردارند.علیرغم وجودوحضورنحله ها وخرده گفتمان های گونه گون دراین مؤسسه که به نیابت ازجریانات سیاسی متبوعشان مشغول فعالیت می باشند، اکثریت قریب به اتفاق اینان دریک نکته متفق القول وهم سخن هستند و آن همانا ستیزبا احکام اسلام وتشکیک درآموزه های بلندامام راحل وانقلاب اسلامی است. بعدازشکست خفت بارجبهه فتنه گران دراردوکشی خیابانی سال وهمچنین پس از تأکیدرهبرمعظم انقلاب اسلامی مبنی بربومی سازی علوم انسانی،اینبارفتنه گران باتمامی قواپا به عرصه علمی- فرهنگی کشورگذاشته اند.این جماعت به نیکی می دانندکه امکان شکست نظام درعرصه کردارهای غیرگفتمانی- بخوانیدعرصه سخت افزاری وفیزیکال نظام- میسور و مقدور نمی باشد و به همین اعتبار باتمرکز فعالیتهای خویش درعرصه جنگ نرم وناتوی فرهنگی برآنند باحرکتی گام به گام وتحت عناوین بامسمایی چون ترویج بیطرفانه علوم انسانی، آمال وآرزوهای دیرین خویش مبنی بر استحاله فرهنگی نظام راعملیاتی سازند. حاجتی به گفتن نیست که هجمه فرهنگی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران قدمتی به درازای تاریخ انقلاب اسلامی دارد و از بدو سر برکشیدن جمهوری اسلامی تاکنون دشمنان نظام، بابرپایی وراه اندازی نشریات سکولاروبرگزاری مجامع ومحافل ادبی وهنری این مهم رادنبال کرده اند ولی امروزه به دلیل گسترش ارتباطات وبرجسته شدن عنصرفرهنگ درعرصه جهانی، جنگ نرم وفتح عرصه فرهنگی اهمیتی دوچندان پیدا کرده است .دردهه اول انقلاب اسلامی جزمقطعی کوتاه که به سالهای آغازین انقلاب اسلامی مربوط می شود، درعرصه فرهنگی جبهه ضدانقلاب توفیق چندانی پیدانکرد ولی به مجرد اتمام جنگ تحمیلی ورحلت جانسوز امام راحل، در دوران سازندگی و اصلاحات، جریانات بیمار روشنفکری نرم نرمک ازگوشه عزلت و ورشکستگی سیاسی بیرون آمدند و مجال‌عرض اندام درحوزه های فرهنگی وهنری پیداکردند. ظهور و بروز نشریات ساختارشکنی چون کیان،گردون، آدینه ونشریاتی ازاین دست به وضوح بیانگرجان گیری وتجدیدقوای جریاناتی بود که فرصت راجهت ضربه زدن به نظام اسلامی مغتنم شمردند. نشریه کیان یکی ازعمده مجلاتی بودکه نقشی کلیدی درپیشبرد پروژه ناتوی فرهنگی دشمن داشت. این نشریه درسال ۱۳۷۰ شمسی پا به عرصه جرایدکشورگذاشت. شاه مهره نشریه کیان عبدالکریم سروش بودکه پیشتر باطرح تئوری"قبض وبسط تئوریک شریعت" جنجال بسیاری به پاکرده بود. اودرنشریه کیان نیزبا پیگیری رویکردهای پیشین خویش، باطرح نظریاتی چون"بسط تجربه نبوی" و "صراط های مستقیم" وجهه همت خویش رادرقداست زدایی ازاحکام دینی وترویج اومانیسم قرار داد. نشریه کیان ارگان جریان روشنفکری دینی نیزبه شمارمی آمدونویسندگانی چون محمدمجتهدشبستری، سعیدحجاریان، محسن کدیور، اکبرگنجی، محمدجوادغلامرضا کاشی ، مرادفرهادپور، مرتضی مردیها ، علیرضا علوی تبار، وآرش نراقی درآن قلم می زدند.۳ تولد حلقه کیان باتولدحلقه سلام همزمان بود. گروه «کیهان فرهنگی»دراواخرسال۶۹حلقه کیان راتشکیل دادندوازآبان ۷۰کیان رامنتشرکردند. حلقه سلام نیز از نیمه دوم سال ۶۹ شکل گرفت و اولین پیش شماره «سلام» در ۲۹ بهمن ۶۹ منتشر شد و اوایل خرداد ۷۰ بعد از ۱۳ پیش شماره، اولین شماره سلام انتشار یافت. کارکرد مشترک این دو حلقه تا بدانجاست که یکی از نیروهای جوانی که بعدها به «گروه کیان» پیوست، می‌نویسد: «همانگونه که کیان توسط رضا تهرانی و شمس‌الواعظین به جای کیهان فرهنگی و زنان توسط شهلا شرکت به جای «زن روز» منتشر شدند، سلام نیز توسط سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها و عباس عبدی به جای «روزنامه کیهان» منتشر گردید. مرکز مطالعات استراتژیک تنها کانون دولتی حضور «حلقه کیان» نبود، پیش و بیش از آن «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» کانون حضور این گروه بود. سابقه این موضوع به آنجا برمی‌گردد که حجت‌الاسلام خاتمی، عناصری را که بعدها حلقه کیان به وجود آوردند، به کیهان آورده و موقعیت‌های دبیری سرویس‌ها و شورای سردبیری روزنامه کیهان و نیز مسئولیت نشریات جانبی آن (کیهان فرهنگی و زن روز) را در اختیار آنان قرار داده بود. وقتی در سال ۶۹ حجت‌الاسلام خاتمی از کیهان استعفا داد، افرادی نظیر هادی خانیکی، محمدابراهیم اصغرزاده و بهروز گرانپایه که درکیهان بودند،به وزارت ارشادرفتند وهمزمان درکیان حضوریافتند.چنان که بعدها افرادی دیگر نیز از وزارت ارشاد نظیر مجید محمدی و حسینعلی قاضیان به حلقه کیان وصل شدند»۴.درکنارنشریاتی چون کیان درعرصه هنری وادبی نیزکانونهای وابسته به ناتوی فرهنگی دشمن فعالیتهای اسلام ستیزانه خویش رابه اشکال وصورگوناگون ازسرگرفتند. سؤالی که دراین میان به ذهن متبادرمی شوداین است که چه علل وعوامل عینی وذهنی، زمینه سازتجدیدقوای ناتوی فرهنگی دشمن در دوران سازندگی وبه صورتی حادتر در دوران اصلاحات شد؟حقیقت امراین است که همزمان با فعالیت روزنامه ها، مجلات وساخت آثارسینمایی ضدارزشی دراین دو دوره، درعرصه مدیریتی واجرایی کشورنیزتحولاتی درشرف تکوین بودکه نقطه صفر این تحولات به دوره ای برمی گرددکه پاره ای از سیاست پیشگان کشور، به تأسی ازآراء واندیشه های متفکران لیبرال مغرب زمین،نرم نرمک درلابلای سخنرانیها ومکتوبات خویش،ازراه ومنش لیبرالی به عنوان الگویی راهگشا ونسخه ای شفابخش درتشفی خاطر و تسکین آلام ایرانیان سخن راندند.۵ این سیاستمداران نوظهور- تکنوکرات های ایرانی- ملهم ازسیاستهای بانک جهانی وصندوق بین المللی پول، سیاست تعدیل ساختاری اقتصاد را به مرحله اجراگذاشتند و با تکیه برالگوی داروینیستی که نوعی گرته برداری ازالگوهای نولیبرالیستی اقتصادبود ، درپی آن شدند طبقه متوسط جدیدی رادرایران ایجادکنندکه هدف غایی آن توسعه سیاسی به سبک وسیاق لیبرالی بود . در دوره سازندگی بودکه سیاستهای سیدمحمدخاتمی- وزیروقت ارشاد- و غلامحسین کرباسچی- شهرداروقت- اعتراض نیروهای ارزشی واصولگرا را برانگیخت. این سیدمحمدخاتمی بودکه با ایجاد بسترهای لازم برای فعالیت سکولارها، زمینه لازم مانوروروشنفکران راهموارمی کرد. اودراستعفانامه خویش که نوعی رونویسی از بیانیه های گروههای ضدانقلاب می باشد می نویسد:"تحجروواپس گرایی،بزرگترین آفت حکومت ونظام دینی می باشد."۶ خانم "کدی" که یکی ازعناصروابسته به سازمان های جاسوسی غرب است به وضوح برسیاستهای لیبرالیستی مدیران و بلندپایگان دولت سازندگی صحه می گذاردومی نویسد:"اصلاحات،پاره ای نتایج ازجمله تغییرجهت ازتوسعه درون نگرمبتنی برکشاورزی به رشد صنعتی مبتنی برترویج صادرات وسیاستهای تجارت آزادوکاهش موانع فعالیت بخش خصوصی رابه بارآورد و اما پس ازآزادسازی ، پول بیشتربه سمت املاک و مستغلات وساختن آپارتمانهای لوکس درتهران جریان پیداکرد تاسرمایه گذاری مولد. بدهی های خارجی نیزبه تدریج افزایش یافت. این مستلزم قیدوبندهای تازه ملی به منظوربازپرداخت بدهی ها بود."۷ این فقره ازنگاشته کدی که باشیطنت خاص عناصراطلاعاتی غرب تحریرشده است به وضوح دلالت براین امر دارد که دولت سازندگی خواسته وناخواسته درمسیری قرارگرفت که ماحصل آن، شکل گیری طبقه بورژوایی- طبقه متوسط جدیدی- بودکه مستظهر به حمایتهای مدیران وسیاستمداران بلندپایه دولت سازندگی توانست دردوم خردادسال ۱۳۷۶بخش عمده ای ازکرسی های قدرت درایران رافراچنگ آورد. حزب کارگزاران سازندگی نیزبه عنوان بازوی مدیریتی واجرایی دولت سازندگی، هم عنان ومتناظر با اصول واسلوب لیبرالی درمانیفست خود بر عناصر و دقایقی چون مشارکت سیاسی مردم، همگرایی وگسترش روابط سیاسی با کشورها وآزادی گفتمان را در پرتو نشانه هایی چون: آزادی، قانون، جامعه مدنی، و توسعه سیاسی موردشناسایی قرارمی دهد. ازمنظراین نویسنده اصلاح طلب، گفتمان اصلاح طلبی و حاملان و عاملان آن درصددند نقطه ثقل گفتمان اصولگرایی یعنی"ولایت فقیه"راشالوده شکنی کنند و از این رهگذر زمینه لازم جهت هژمونیک شدن گفتمان متبوعشان رافراهم سازند.۱۴حقیقت امراین است که اصلاح طلبان وهم پیمانان غربیشان به خوبی می دانستند و می دانندکه تنها راه فروپاشی نظام اسلامی، تضعیف جایگاه ولی فقیه و اصل ولایت فقیه می باشد و محمدخاتمی نیز تلویحا بااین اصل مخالفت می ورزد و در عصراصلاحات درخصوص ولایت فقیه می گوید:"حق حاکمیت بالذات واولاً ازآن خداست،اما این حقی است که درصحنه جامعه به خودمردم واگذارشده است وخداوندمردم راآزادوحاکم برسرنوشت خویش آفریده است وآن همان چیزی است که باعث ایجادنهادهای مدنی درجامعه مدنی،تشکل ها،احزاب،گروهها وانجمن ها می شود...رأی مردم تعیین کننده است حتی اگراین رأی به رهبری هم تعلق نگیرد،آن رهبر، رهبرنافدالکلمه درجامعه نیست"۱۵ این اظهارات خاتمی به وضوح درتخالف بافعل وقول وسیره امام راحل می باشدکه مشروعیت ولی فقیه را الهی می دانند . این درحالی است که درآثارشفاهی ومکتوب سران اصلاح طلب و روشنفکران دینی منتسب به این جریان، درخصوص اصل ولایت وارج وقرب قدسی آن حرفی به میان نیامده است. محسن کدیور، یکی ازچهره های برجسته اصلاح طلب و از نویسندگان ثابت نشریه کیان درخصوص ولایت فقیه می نویسد:"ولایت شرعی فقیه برمردم فاقد مستند عقلی ونقلی است، لذا فقیهان ولایت شرعی برمردم ندارند."۱۶مجتهدشبستری نیزکه درحال حاضردرمؤسسات زنجیره ای پرسش، رخدادتازه و پنجره حکمت ، سرگرم اشاعه الهیات الحادی پروتستان می باشد، درباب ولایت فقیه ، قلم برمرکب وقاحت ونفاق نشانیده و می نویسد:"فقه نه می تواندمبدأبرنامه ریزی باشد و نه می تواند واقعیتهای موجود درجامعه راتوضیح دهد و نه قادراست سازوکارآنها رامعین کند۱۷".سروش نیزهم عنان با هم مسلکان خویش، به ولایت فقیه حمله می کند ومی نویسد: "فقه عهده دارحکومت نیست چراکه درکامل ترین شکل خودفقط غنای حکمی دارد،یعنی حکم حلال وحرام رامی گویدوازبرنامه ریزی فردی واجتماعی که لازمه یک سیستم است ناتوان است".۱۸ حمله وهتاکی آشکاربه احکام فقهی ،تبلیغ وترویج جامعه مدنی، تأکیدبرضرورت تقویت طبقه متوسط جدید، جزوکلیدواژه هایی هستندکه به وفور و به کرات ردپای آن ها رامی توان درنشریات منتسب به جریان اصلاح طلبی شناسایی کرد. اظهارات سیدمحمدخاتمی ونظریه پردازان جریان اصلاح طلبی بیانگراین نکته است که اصلاح طلبان ازدوران سازندگی تا کنون تمامی توان خویش رابه کارگرفتندتا نظام اسلامی را ازپای دربیاورند و یا اینکه خللی درراه وطریق اعلامی ومعهودآن ایجادکنند. عطاءالله مهاجرانی به عنوان یکی ازمهم ترین نیروهای اجرایی کشور، سهم ونقشی مهمی درحمایت وترویج الگوهای غربی ایفا کرد. تلاش درجهت احیاء وقدرت گیری کانون نویسندگان ایران، اهدای جوایز هنری به نویسندگان ضدانقلابی چون احمدمحمود ، اکران فیلم های ضدفرهنگی چون "دو زن " واعطای مجوز به نشریات تجدیدنظرطلب ازجمله اقداماتی بودکه دردوره صدارت مهاجرانی بر وزارت ارشاد انجام شد. جسارت وتوهین به مقدسات درعصر اصلاحات به جایی رسیدکه نشریه دانشجویی به نام موج ، نمایشنامه ای تحت عنوان "کنکور،وقت ظهور" را انتشارداد که حاوی مطالبی درهتک حرمت ساحت مقدس حضرت ولی عصربود. مقام معظم رهبری که ازمدتها قبل، خطرناتوی فرهنگی دشمن را به کارگزاران نظام متذکرشده بودند، درسخنرانی مهمی براین نکته تأکیدورزیدندکه: "کسانی بیایندواحکام وضروریات اسلام راانکارکنند، این نوع دیگری ازایجادناامنی است... اگرکسی پیداشودکه به انکارضروریات دین که ازجمله قصاص اسلامی وشرعی است،تجاهرکند این مرتداست وحکم مرتدهم دراسلام معلوم است".۱۹مجلس خبرگان نیزبه عنوان یکی ازارکان رکین نظام اسلامی،با صدوراطلاعیه ای، نگرانی خویش ازاقدامات ایذایی و رهزنانه اصلاح طلبان را اعلام کرد. در فرازهایی ازاین اطلاعیه می خوانیم:"قلم هایی که برای ابهام آفرینی دراندیشه های ناب امام خمینی به کارافتاده وظاهرشدن دوباره عناصرخودباخته درفضای فرهنگی وبدیل سازی برای نقش یگانه حضرت امام درتحول عظیم وعمیق این کشوربا طرح عناصرملی گرا همگی بخشی ازپروژه امام زدایی است که فقط با هوشمندی آن برخوردکرد"۲۰ مطبوعات ونشریات اصلاح طلب دردوره ریاست سیدمحمدخاتمی، مأمور و مجری تبلیغ وترویج کلیدواژه هایی چو ن:نقدجامعه دینی ، نقددین حکومتی ، حمله به احکام حجاب ودین ایدئولوژیک بودند. درآن دوره،کاریکاتور موهنی دریکی ازروزنامه های زنجیره ای علیه یکی از عالمان دینی و فیلسوفان برجسته حال حاضرایران انتشاریافت که موجی ازاعتراضات مردمی رابه همراه داشت ومتحصنان با بست نشینی درقم-که پایگاه همیشگی مراجع تقلیدوروحانیون به شمارمی آید- طوماری رادر حمایت ازعلامه مصباح یزدی وارزشهای بلندامام راحل امضاء کردند و خواستارمحاکمه مسببان این اقدام زشت وناپسند شدند. درفرازهایی ازاین طوماراعتراضی می خوانیم:"اگردرزمان طاغوت یک صدم این تهاجمات به فقه شیعه می شدمراجع وروحانیان شیعه روزرابرمعاندان وبدعت گزاران تاریک می کردند.مگرکسی رازهره این بودکه بی پاسداشت حرمت حوزه علمیه قم درمسائل فقهی قلم بزند و درمسائل اعتقادی تشکیک کند؟ هرگزنبایدفراموش کردکه انقلاب اسلامی بزرگ ما که جهان راتکان داد نقطه آغازش نوشتن یک مقاله موهن برضدیک مرجع تقلیدبود"۲۱.حادثه مهم دیگری که فصل مهمی درتاریخ مبارزات مردم ایران علیه روشنفکران وجریانات بیمارفکری گشود، سخنرانی تاریخی ولی امرمسلمین جهان در اردیبهشت سال ۱۳۷۹ بود که پرده ازماهیت رسوا وپلیدفتنه گران برداشت. ایشان دراین سخنرانی خاطرنشان کردند:"بعضی ازمطبوعاتی که امروزهستند پایگاه های دشمن هستند. همان کاری رامی کنندکه رادیووتلویزیون های بی بی سی وآمریکا ورژیم صهیونیستی می خواهندبکنند...این یک نوع شارلاتانیزم مطبوعاتی است که امروزبعضی مطبوعات درپیش گرفته اند... جلوگیری ازاین مطبوعات، جلوگیری از انتقال آزاداطلاعات نیست. این معنایش جلوگیری ازنفوددشمن است، جلوگیری از به ثمر رسیدن توطئه تبلیغاتی دشمن است. من وجود این جریان تبلیغاتی و مطبوعاتی را به حال ایمان مردم مضرمی دانم. این جریان دائم درصدد قداست شکنی ازمسائل اساسی اسلامی است.۲۲" در دوره اصلاحات یکی از واژه هایی که باتفسیربه رأی، جعل وتحریف می شد واژه مردمسالاری بود که اصلاح طلبان سعی داشتند با کمرنگ نمودن صبغه دینی نظام ، دموکراسی به سبک لیبرالی را در ایران پیاده سازند. درپاسخ به این شبهه افکنی درباب مفهوم مردمسالاری ونسبت آن با دین داری، رهبرمعظم انقلاب اسلامی درسخنرانی مهمی تأکید ورزیدند که :"درنظام اسلامی، یعنی مردمسالاری دینی،مردم انتخاب می کنند،تصمیم می گیرند وسرنوشت اداره کشور را به وسیله منتخبان خودشان دراختیاردارند، اما این خواست وانتخاب واراده درسایه هدایت الهی، هرگزبه بیرون جاده فلاح وصلاح راه نمی برد و ازصراط مستقیم خارج نمی شود. نکته اصلی درمردمسالاری دینی این است. این هدیه انقلاب اسلامی به ملت ایران است. این تجربه جدید و جوانی است، اما تجربه قابل تأمل وپی گیری وقابل تقلیدی است برای همه کسانی که دلشان برای فضیلتها وجامعه پاک وپاکیزه انسانی می تپد و از جرایم و رذائل اخلاقی ورواج زشتی های خلقیات بشری رنج می برند... امتیازنظام اسلامی دراین است که درچارچوب احکام مقدس الهی وقوانین قرآنی ونورهدایت الهی است که بردل وعمل وذهن مردم پرتوافشانی وآنها راهدایت می کند. مسأله هدایت مردم یکی ازآن مسائل بسیارمهمی است که درنظام های سیاسی رایج دنیا، به خصوص درنظام های غربی نادیده گرفته شده است.۲۳" ولی امرمسلمین جهان درسخنرانی دیگری درصدد صورت بندی جدیدی ازمفهوم اصلاح طلبی برآمدند و طی سخنانی مطرح نمودند:"آماج این مبارزه سه چیزاست:یکی فقراست،یکی فساداست ویکی تبعیض.اگربافقروفسادوتبعیض درکشورمبارزه شود،اصلاحات به معنای حقیقی، اصلاحات انقلابی واسلامی تحقق پیداخواهدکرد. مشکلات ما ازاین سه پایه شوم وازاین سه عنصرمخرب است.ناامنی هم که داریم،به خاطرهمین است.بسیاری ازناامنی ها به خاطرفقراست وبسیاری به خاطرفساداست".۲۴" تحولات آتی نیزنشان دادکه مردم به پیروی ازمقتدای خویش، دل نگرانی شدیدی ازسیاستهای اصلاح طلبان دارند واین ابرازنارضایتی درسال های پایانی زعامت اصلاح طلبان نمودوجلوه بیشتری پیداکرد.محمدقوچانی که یکی ازمهره های برجسته اصلاح طلبان محسوب می شود ، بانوشتن کتابی تحت عنوان"جنبش اصلاحات درحال احتضار"از زوال جنبش اصلاح طلبی درایران خبرداد۲۵. با برگزاری انتخابات سال۱۳۸۴ ریاست جمهوری،عملاًومحققا، گفتمان اصلاح طلبی افول کرد و اصولگرایان موفق شدند کاخ ریاست جمهوری رافتح کنند. احمدموثقی- استادسکولاردانشگاه تهران- درتحلیل پیروزی احمدی نژادمی نویسد:"این موج جدید به نفی تقریباً کل گذشته جمهوری اسلامی یا دست کم دوره های دوم وسوم که دوره شانزده ساله پس ازجنگ وتوأم با اصلاحات اقتصادی وسیاسی بود می پردازد و وجهه همت خویش رادراحیای گفتمان سیاسی سنت گرایانه وامت محور و ضدیت با مدرنیته وغرب قرارمی دهد و مخالف توسعه کاپیتالیستی ودموکراسی است ونگرشی پست توسعه ای مبنی برپایان توسعه دارد. پایه این جنبش اجتماعی بنیادگرا، ضد مدرنیته وضد توسعه ودموکراسی،اقشارمحروم وآسیب دیده وحاشیه نشین شهری وروستایی وخرده بورژوازی هستند که قربانی سیاستها وتجربه های غلط گذشته بوده اند."موثقی دراین نوشته خویش، گرچه به درستی برمخالفت اصولگرایان باتوسعه لیبرالی تأکیدمی ورزد ولی او با رویکردی مغرضانه، اصولگرایان رابه مخالفت با دموکراسی متهم می کند و ازاین رهگذرسعی می کند چهره ای مشوش وبه غایت افراطی ازاصولگراییان رادرذهن خواننده ترسیم کند.روزنامه زنجیره ای شرق نیزدرتحلیل محافظه کارانه درخصوص پیروزی احمدی نژاد می نویسد:"مبارزه بافقر،فسادوتبعیض،خدمت صادقانه به مردم،اعتمادسازی جهانی،گسترش مناسبات باکشورهای اسلامی، تدوین برنامه شهروندی ومبارزه باحاشیه نشینی شهری وزمین خواری درحاشیه کلان شهرها، بردن خدمات به روستاها، کاهش فاصله میان دولت وملت، تشکیل جلسات هیأت دولت دراستانها وبردن وزرابه مناطق دوردست به شکل جمعی برای حل مشکلات مردم،آوردن پول نفت برسرسفره های مردم وپایان دادن به جنگ فقروغنا ازرئوس اصلی برنامه های محموداحمدی نژادهستند.۲۶" دردوره اول ریاست جمهوری احمدی نژاداقدامات مهمی درعرصه های سیاسی،فرهنگی واقتصادی صورت گرفت وتاحدودی زیادی دست سکولارها ونیروهای لیبرال سرمایه دارازحلقه های اجرایی ومدیریتی کوتاه شد.باوجودچنین اقداماتی،جناح نولیبرال وابسته که ازدوران سازندگی درحلقه های فرهنگی ومدیریتی کشورومحافل روشنفکری ریشه دوانیده بودتوانست بابسیج نیروها وامکانات خویش،فتنه بزرگی راهمچون جنگ احزاب برپاکند.علی رغم این قشون کشی همه جانبه جبهه استکبار،باتدبیررهبری معظم انقلاب اسلامی وهوشمندی مردم،این توطئه به شکست انجامید و توفیقی نیافت. بعد ازاین واقعه دردناک وعبرت آموز، جبهه استکبارکه شکست سنگینی رادرسقوط فیزیکال نظام متحمل شده بود، اینباردرهیأت وکسوتی جدیدواردگودشده است. گرچه درفتنه ۸۸ ضدانقلاب باتمامی قواواردصحنه شده بودولی به لحاظ سازماندهی وعقبه تئوریک نقاط ضعف عمده ای داشت وهمین مسئله موجد وموجب این امرشده است که فتنه گران درفکرتدارک وراه اندازی مؤسسات علمی-پژوهشی باشندکه هدف غایی آن،ترویج واشاعه مکاتب وتئوریهای سکولارمی باشد. دراین راستا،مؤسسه پرسش به عنوان مؤسسه ای سکولار، نقشی مهم وسترگ راایفا می کند که درصورت غفلت مسئولین می تواند عواقب وپیامدهای جبران ناپذیری رادربه هم زدن امنیت ملی ایران دربرداشته باشد.تبارمؤسسه پرسش به نشریاتی چون کیان ونگاه نو برمی گردد که دردوران سازندگی واصلاحات، سهم عمده ای درترویج مشهورات لیبرالی برعهده داشتند. حال که فتنه گران، بسیاری ازسنگرهای سیاسی واقتصادی خویش را دربدنه حاکمیت سیاسی ایران ازکف داده اند، ترجیح می دهند به صورتی خزنده وبا به راه انداختن نوعی کارناوالیزم فرهنگی وشبکه ای، درساحت های فرهنگی وهنری کشورریشه بدوانند. مؤسسه پرسش جزومعدودمؤسساتی می باشد که با جذب اساتید و روشنفکران طیف های گوناگون فکری توانسته است نوعی توافق تعارضی- اصطلاح مورداستعمال هابرماس- ایجادکند تا از این رهگذربتواند سر بزنگاه، با بسیج نیروهای سکولار وشبه سکولارایرانی، جمهوری اسلامی ایران رامستأصل نماید.در این پژوهش برآنیم بامعرفی مؤسسه پرسش وهمچنین بررسی آراء سرحلقه های فکری این مؤسسه، اهداف ونیات شیطانی ناتوی فرهنگی دشمن رادرمعرض قضاوت مخاطبان وخوانندگان تیزبین قراردهیم.

* استاد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

***سیدمحمد خاتمی با ایجاد بسترهای لازم برای فعالیت سکولارها، زمینه لازم مانور روشنفکران غرب زده را هموار کرد.**

***حمله و هتاکی آشکار به احکام فقهی، تبلیغ و ترویج جامعه مدنی، تأکید بر ضرورت تقویت طبقه متوسط جدید، جزو کلیدواژه هایی هستند که به وفور و به کرات ردپای آن ها را می توان درنشریات منتسب به جریان اصلاح طلبی شناسایی کرد.**

۱. از وب سایت رسمی مؤسسه مطالعات سیاسی اقتصادی پرسش
۲. پیشین.
۳. مجله کیان از دانشگاه ویکی پدیا
۴ .زارعی،سعدالله.نگاهی به نقش محوری حلقه سلام وکیان درفتنه ها.از: www.irdc.ir/fa/content ۱۰۶۹ // dcfault.aspex
۵ .۱۳۷۶ص۱۲۵ رزاقی،ابراهیم.نقدی برخصوصی سازی ایران. تهران:مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۶. تهران:مرکزبازشناسی ایران واسلام،۱۳۸۴،ص۳۹۷. میرسلیم،مصطفی. جریان شناسی فرهنگی بعدازانقلاب اسلامی ایران.
۷.آر.کدی،نیکی.نتایج انقلاب ایران.ترجمه مهدی حقیقت خواه،تهران:مرکزبازشناسی ایران واسلام،۱۳۸۳،ص۵۶.
۸.تهران:نشرگستره،۱۳۷۹:ص۱۰۲. شادلو،عباس.اطلاعاتی درباره احزاب وجناح های سیاسی ایران
۹. موثقی،احمد.نوسازی واصلاحات درایران(اندیشه تاعمل). تهران،نشرقومس،۱۳۸۵،ص۲۹۲.
۱۰. پیشین،ص۲۹۱.
۱۱.آر.کدی،نیکی .نتایج انقلاب ایران.ترجمه مهدی حقیقت خواه،تهران:مرکزبازشناسی ایران واسلام،۱۳۸۳،صص ۸۰-۸۲.
۱۲. سخنرانی سیدمحمدخاتمی.۳۰آبان ۱۳۷۷.
۱۳. سخنرانی سیدمحمدخاتمی.اآذر۱۳۷۷.
۱۴ .سلطانی،سیدعلی اصغر.قدرت،گفتمان وزبان؛سازوکارهای جریان قدرت درجمهوری اسلامی ایران.تهران،نشرنی،۱۳۸۷،ص۱۵۷.
۱۵. سخنرانی سیدمحمدخاتمی.۷شهریور ۱۳۷۷.
۱۶. کدیور،محسن.حکومت ولایی.تهران،نشرنی،۱۳۸۰،ص۳۹۵
۱۷. مجتهد شبستری،محمد.ایمان وآزادی.تهران:طرح نو،۱۳۷۶،ص ۵۱
۱۸. سروش،عبدالکریم.حکمت ومعیشت.تهران:صراط،۱۳۷۳،ص۵۷
۱۹. سخنرانی مقام معظم رهبری.۱۰شهریور۱۳۷۸
۲۰. رسایی،حمید.تحصن چراوچگونه؟نگاهی به خروش روحانیت دراعتراض به فتنه فرهنگی.قم:فیضیه،۱۳۷۹،ص۶۸
۲۱. رسایی،حمید.آزادی یاتوطئه.نگاهی به کارنامه مطبوعات شبهه افکن. صص۱۴۵-۶۵
۲۲. سخنرانی مقام معظم رهبری.۱اردی بهشت ۱۳۷۹.
۲۳. سخنرانی مقام معظم رهبری.۱۱مرداد۱۳۸۰
۲۴. سخنرانی مقام معظم رهبری.۳مرداد۱۳۷۹
۲۵. قوچانی،محمد.برادربزرگترمرده است؛جنبش اصلاحات دراحتضار. تهران:نقش ونگار،۱۳۸۱
۲۶. روزنامه شرق.۲۶مرداد۱۳۸۴

دانشگاه در جبهه-۲۷

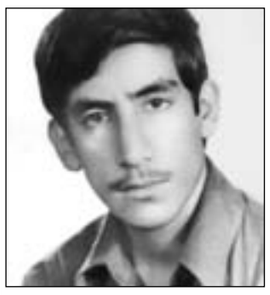

دانشجوی شهید عبدالرحمن یا علی مدد

شهید عبدالرحمن یا علی مدد در شهریورماه سال ۱۳۳۷ در بندر بوشهر متولّد شد. او از پنج سالگی به مدرسه رفت. از ۸ سالگی فرایض دینی‌اش را انجام می‌داد و به آموختن قرآن مجید همت گمارد.

دوره متوسطه را در دبیرستان سعادت بوشهر در رشته ریاضی با موفقیت به پایان برد و با معدل ۲۰ به عنوان شاگرد اول استان، موفق به اخذ دیپلم شد و بدون کنکور در سال ۱۳۵۶ وارد دانشگاه صنعتی امیرکبیر شد و رشته مهندسی عمران را انتخاب کرد. تا سال سوم دانشگاه، در رشته‌ی عمران تحصیل نمود که با وقوع انقلاب اسلامی و حملات جلادان رژیم پهلوی به دانشگاه‌ها و دانشجویان در تحصیلاتش وقفه افتاد. در این ایام عبدالرحمن در تظاهرات گسترده‌ی مردم علیه رژیم شاهنشاهی به طور فعال شرکت می‌کرد. پس از پیروزی انقلاب با مطرح شدن انقلاب فرهنگی ، با درک عمیق و ریشه‌ای که در این‌باره داشت ، سعی کرد از انحراف دانشگاه جلوگیری کند. چندی بعد به عضویت هیئت‌های ۷ نفره‌ی واگذاری زمین درآمد و از تهران رهسپار استان خراسان شد و در آن‌جا به مدت یک سال به فعالیت پرداخت.

همزمان با شروع جنگ در مهرماه ۱۳۵۹ به میدان نبرد شتافت. بعد از مدتی که دیده‌بانی در ارتش را بر عهده داشت ، به سپاه پاسداران در اهواز پیوست و راهی سوسنگرد شد. در آن‌جا مدتی کارهای تبلیغاتی و کار در کتابخانه را به عهده داشت و علاوه بر آن